

روستا و توسعه، سال ۲۲، شماره ۸۷، پاییز ۱۳۹۸

DOI: 10.30490/RVT.2020.293508.1075

نقش سیاست‌های دولت در پایداری / ناپایداری فعالیت‌های مولد زراعی: مطالعه موردی شهرستان‌های ترکمن و گمیشان از ۱۳۶۰ تا ۱۳۹۰*

عبدالمجید قرنجیک^۱، حسن افراخته^۲، عبدالحمید نظری^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۳/۱

چکیده

سیاست‌های دولت‌ها یکی از عوامل اثرگذار در فعالیت‌های کشاورزی است. پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و استفاده از روش تحقیق نظریه‌زمینه‌ای، به بررسی این عوامل در دو شهرستان ترکمن و گمیشان در استان گلستان طی دوره ۱۳۶۰ تا ۱۳۹۰ پرداخت و در آن، مطالعات میدانی از طریق انتخاب ۳۲ نفر مشارکت‌کننده به روش گلوله برفی، صورت گرفت.

* مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری با عنوان «تحول ساخت زراعی (شهرستان‌های ترکمن و گمیشان)» است.

۱. نویسنده مسئول و دانش‌آموخته دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
(majidgharanjik@gmail.com)

۲. استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

۳. دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه پیام نور، گنبد کاووس، ایران.

یافته‌ها نشان داد که چهار سیاست کشت و توسعه محصولات راهبردی، تنوع‌بخشی به فعالیت‌های اقتصادی با ایجاد شهرک‌های صنعتی در نواحی روستایی، سدسازی و نیز تسطیح و زهکشی اراضی عمده‌ترین سیاست‌های اثرگذار دولت در ساخت زراعی و فعالیت‌های مولد زراعی ناحیه مورد مطالعه به‌شمار می‌روند؛ افزون بر این، افزایش اشتغال روستاییان و افزایش توان خاک از پیامدهای مثبت دو سیاست تنوع‌بخشی به فعالیت‌های اقتصادی و تسطیح و زهکشی اراضی بوده و همچنین، کاهش منافع اقتصادی، تغییر الگوی کشت، کاهش آب رود، افزایش هزینه‌های دامداری و کاهش دامداری و در نهایت، ناپایداری فعالیت‌های زراعی و اقتصاد روستایی و نیز ضعف فعالیت‌های مولد زراعی از پیامدهای منفی سیاست‌های دولت ارزیابی شده است.

کلیدواژه‌ها: سیاست دولت، فعالیت‌های زراعی، ساخت زراعی، ترکمن (شهرستان)، گمیشان (شهرستان).

مقدمه

ساخت زراعی در قالب یکی از پدیده‌های جغرافیایی همواره در حال تغییر و تحول است. بنا به تعریف، ساخت زراعی عبارت است از مجموعه همبستگی‌های پایدار و عمیق بین انسان و زمین، و مشتمل بر نظام زراعی، مورفولوژی زراعی و مجموعه مساکن است (Keyder and Yenil, 2011). یکی از عوامل اثرگذار در تغییر ساخت زراعی سیاست‌گذاری دولت‌هاست (Lebeau, 1976). این مداخله ممکن است با پیامدهای مطلوب یا نامطلوب در فعالیت‌های مولد همراه باشد، که ضروری است عملکردی سنجیده و اندیشیده برای شناسایی تبعات اثرگذار آن در سایر اجزا پیش‌بینی شود (Hajipour and Falsoleiman, 2014 Saeidi, 2012). فعالیت‌های زراعی در شهرستان‌های ترکمن و گمیشان واقع در استان گلستان، که معیشت اصلی در نواحی روستایی آنها به فعالیت‌های بخش کشاورزی وابسته است، در طول دهه‌های گذشته، به اشکال مختلف از

سیاست‌گذاری‌های دولتی تأثیر پذیرفته و تحولاتی را در ساخت زراعی و فعالیت‌های وابسته به آن تجربه کرده است. از این رو، پژوهش حاضر به بررسی نقش سیاست‌های دولت در پایداری/ ناپایداری فعالیت‌های مولد زراعی در این ناحیه می‌پردازد.

ادبیات پژوهش

به کارگیری و اجرای سیاست‌های کلان اقتصادی از سوی دولتمردان بر فعالیت بخش‌های گوناگون اقتصادی اثر می‌گذارد (Lebeau, 1976). کشاورزی به سبب مزیت‌هایی همچون تأمین‌کنندگی مواد غذایی و مواد اولیه بخش صنعت و توسعه سرزمین اهمیت دارد (Afrakhteh et al., 2015). رابرت بی‌تس معتقد است که در برنامه‌های کشاورزی دولت‌ها، بیش از کارآمدی اقتصادی، کارکرد سیاسی برنامه‌ها مورد توجه است (Shakouri, 2005 Hajipour and Falsoleiman, 2014). از این رو، میزان موفقیت جوامع در توسعه کشاورزی تابعی از راهبردهای اتخاذی است (Gopinath, 1986). به باور شکوری (Shakouri, 2005)، در برخی از کشورهای در حال توسعه که در معرض تحریم‌های اقتصادی قرار می‌گیرند، موضوع توجه دولت‌ها به محصولات راهبردی بسیار اهمیت دارد (Mojtahed and Sharifi, 2004). همچنین، نهادگرایان بر این باورند که چارچوب نهادی به هر فعالیتی پاداش دهد، آن فعالیت رواج خواهد یافت (Nekooei Naeini, 2016). در زمینه زراعت، جامعه کشاورز به سمت تولید محصولی خواهد رفت که توسط سیاست‌ها و سازمان‌ها تعیین شده است. حسینی و ترشیزی (Hosseini and Tarshizi, 2009) معتقدند که سیاست‌های بخش کشاورزی ایران سعی در توسعه سطح زیر کشت و تولید برخی محصولات مانند گندم، ذرت، چغندر قند و سویا دارد. ولی برخی عقیده دارند که توسعه فعالیت‌های کشاورزی کاربرتر و با ارزش بالا منجر به افزایش فعالیت‌های مولد می‌شود (Mousavi et al., 2009; Cheung, 2004). ناتانیل براون (Nathaniel Brown, 1985) نشان می‌دهد که اجرای نامناسب یک سیاست منجر به ایجاد و تشدید ناپایداری در فعالیت‌های زراعی

شده است. گوپیناث (Gopinath, 1986) تصمیمات زراعی کشاورزان را تابع جریانات تقاضای بازار و سیاست‌های دولت دانسته است. مطالعات کوکلین و همکاران (Cocklin et al., 2007) نشان می‌دهد که نگرش‌های کشاورزان و روستاییان در میزان موفقیت یک طرح یا سیاست اثرگذار است. کیدر و ینال (Keyder and Yenil, 2011) بر این باورند که توجه به ریشه‌های روستایی در اجرای برنامه اصلاحات ارضی ترکیه به پایدارتر شدن فعالیت‌های زراعی انجامیده است. کوکا و همکاران (Cocca et al., 2012) معتقدند که در ایتالیا، نظام‌های سنتی، علی‌رغم کارآیی اقتصادی پایین‌تر، تأثیر زیادی در جلوگیری از رهاسازی اراضی دارد. یائو و ژی (Yao and Xie, 2016) نشان دادند که برنامه‌ریزی علمی دولت، فعالیت‌های زراعی و تولیدی را پایدارتر کرده است. به عقیده آمار و رضایی (Amar and Rezaei, 2008)، نظام زراعی بیشترین تأثیر را از عوامل جغرافیایی (طبیعی)، شبکه‌های ارتباطی، بازار، ترویج و دولت می‌پذیرد. بخشی و همکاران (Bakhshi et al., 2010) نیز نشان دادند که یک سیاست می‌تواند کاهش ناپایداری فعالیت‌های مولد زراعی را به همراه داشته باشد. به باور پیش‌بهار و خدابخش (Pishbahar and Khodabakhshi, 2014)، سیاست‌ها ممکن است اثرات خود را در آینده و به شکل تدریجی بروز دهند. افراخته و همکاران (Afrakhteh et al., 2014)، در پژوهش خود، تغییر الگوی کشت را وابسته به عللی همچون کاهش منابع آب، برنامه‌های حمایتی و تشویقی دولت و پراکندگی قطعات دانسته‌اند.

از تفاوت‌های پژوهش حاضر با مطالعات یادشده می‌توان به وجود ویژگی‌های خاص اجتماعی-فرهنگی در منطقه، در نظر گرفتن دوره‌ای متفاوت و با فاصله از اصلاحات ارضی دهه ۱۳۴۰ و به تبع آن، احتمال وجود عوامل مختلف و انجام پژوهش به روش کیفی اشاره کرد.

روش پژوهش

رویکرد فلسفی پژوهش حاضر مبتنی بر روش‌شناسی کیفی است. روش‌های کیفی، استقرایی و کل‌گرایانه‌اند، به تفسیر مفهوم ذهنی پدیده‌های درونی پرداخته و بدون نظارت نسبی، به دنبال درک نظرگاه کنش‌گرند (Saeed Rass, 2007). شیوه استقرایی یعنی، رسیدن از جزء به کل بیشتر در پژوهش‌های کیفی استفاده می‌شود. این نوع پژوهش به جای فرضیه و متغیر، با مسئله‌ای مشخص شروع می‌شود، با پرسش یا پرسش‌هایی دقیق و روشن ادامه می‌یابد و سپس، با گردآوری و تحلیل همزمان داده‌ها در جست‌وجوی پاسخ‌های مبتنی بر واقعیت خواهد بود و می‌تواند زمینه‌ساز تولید و تولد نظریه‌های تازه باشد. در پژوهش حاضر، شیوه‌های گردآوری داده‌ها و اطلاعات شامل مشاهده مشارکتی و از درون، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و باز و اسناد و مدارک (شامل انواع متون و مستندات) بوده است. با توجه به کیفی بودن پژوهش حاضر، راهبردهای نظریه‌زمینه‌ای^۴ و گروه‌های کانونی انتخاب شده است؛ همچنین، برای تحلیل داده‌ها، از روش تحلیل نظریه‌زمینه‌ای (Strauss and Corbin, 2011; Douglass, 1998)؛ به شیوه نظام‌مند (منظم) متناسب به اشتراک و کوربین (Strauss and Corbin, 2011) استفاده شد. نظریه‌مبنا یا زمینه‌ای یک روش استقرایی است که برای ارائه علمی و نظام‌دار نظریه در مورد رفتارهای انسان در جامعه از طریق تحلیل تطبیقی مشاهدات به کار می‌رود. این نظریه درصدد توضیح ماجرای اصلی‌ای است که در داده‌های تحقیق و موقعیت مورد بررسی می‌گذارد (Afrakhteh and Hajipour, 2013). این روش‌ها شامل شیوه‌های مفهوم‌پردازی داده‌ها موسوم به «کدگذاری» است (Strauss and Corbin, 2011). کدگذاری چند مرحله دارد: «کدگذاری باز» به مفهوم‌سازی و مقوله‌سازی داده‌ها می‌پردازد؛ «کدگذاری محوری» ارتباط منطقی و علی بین مقوله‌های مختلف برقرار می‌کند؛ و «کدگذاری انتخابی» نیز مقوله‌های محوری و هسته‌ای را تعیین می‌کند (Strauss and Corbin, 2011).

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کشاورزان شهرستان‌های ترکمن و گمیشان بوده و با توجه به کیفی بودن روش تحقیق نظریه مبنای تعداد مشارکت کنندگان در پژوهش نیز در حد اشباع نظری بود. نمونه‌گیری به دو روش نظری و گلوله برفی بوده، که هر دو از مجموعه روش‌های متوالی یا متواترند. بر این اساس، مصاحبه‌ها با تعداد ۳۲ نفر از کشاورزان باتجربه منطقه انجام گرفت، که در تعدادی کمتر از آن به اشباع اطلاعاتی رسید. با توجه به ضرورت آشنایی این افراد با کل دوره مورد مطالعه، سن آنها حداقل پنج‌ساله بود و از روستاهای مختلف منطقه انتخاب شدند.

نتایج و بحث

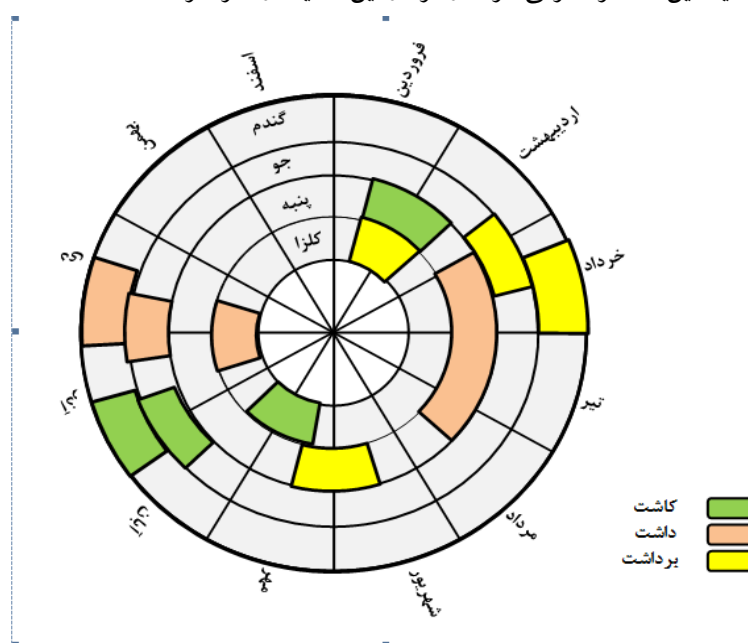
برای بررسی موضوع، ابتدا تحولات زراعی منطقه مورد مطالعه و فعالیت‌های زراعی شناسایی شد. بدین منظور، گزاره‌های مرتبط با این موضوع از مصاحبه‌ها استخراج و کدبندی و سرانجام، چهار مفهوم شناسایی شد. این مفاهیم از حدود بیست گزاره واحد مصاحبه‌های میدانی منتج شده است. در نهایت، مقوله‌ای کلان با عنوان تغییر الگوهای زراعی از آن استخراج شد. آمارهای تولیدات زراعی سال‌های مختلف تغییر الگوی کشت را تأیید می‌کند (جدول ۱).

جدول ۱- تغییرات سطح زیر کشت محصولات عمده و نوع کشت در ناحیه مورد مطالعه

دوره (میانگین)	گندم		جو		پنبه		کلزا		آبی		دییم	
	هکتار	تعداد	هکتار	تعداد	هکتار	تعداد	هکتار	تعداد	هکتار	تعداد	هکتار	تعداد
۶۶-۷۰	۱۰۰۸۰	۱۵	۵۱۴۲۴	۷۷	۵۰۴۸	۸	۰	۰	۱۸۶۴	۸	۲۰۳۲۰	۹۲
۷۱-۷۵	۱۲۷۱۸	۲۵	۲۸۲۹۰	۵۶	۹۱۱۹	۱۸	۰	۰	۳۰۵۱	۱۸	۱۳۶۵۸	۸۲
۷۶-۸۰	۱۴۵۶۴	۳۰	۲۶۷۹۷	۵۵	۵۲۴۶	۱۱	۲۵۳۵	۵	۱۶۲۸	۱۳	۱۰۶۵۸	۸۷
۸۱-۸۵	۱۹۲۳۱	۳۲	۳۴۱۷۹	۵۷	۲۱۱۴	۳	۴۲۸۷	۷	۱۰۳۳	۷	۱۳۹۲۰	۹۳
۸۶-۹۰	۱۷۴۳۷	۳۳	۳۲۸۰۹	۶۳	۴۴۲	۱	۱۸۲۹	۴	۷۵۳	۶	۱۲۳۷۷	۹۴

مأخذ: وزارت جهاد کشاورزی (Ministry of Agriculture - Jihad, 2016)

محصول جدید کلزا جایگزین پنبه در منطقه شده است، تغییری که به خاطر ویژگی‌های خاص هر محصول، به همراه خود تغییراتی را ایجاد می‌کند. برای نمونه، محصول پنبه به‌عنوان یک کشت کاربر به نیروی انسانی بیشتری نسبت به کلزا نیاز دارد و از سوی دیگر، طول دوره زراعی این دو محصول نیز با یکدیگر متفاوت است. شکل ۱ تقویم زراعی و جدول ۲ نفر-روز-کار مورد نیاز برای هر کدام از محصولات منطقه را نشان می‌دهد. در محاسبه نیروی کار، هزینه میانگین دستمزد عرفی هر کارگر در این ناحیه در نظر گرفته شده است.



شکل ۱- تقویم زراعی تقریبی در منطقه مورد مطالعه

موضوع از بین رفتن کشت پنبه با کاهش تنوع زراعی نیز ارتباط مستقیم دارد، که نشان‌دهنده حرکت الگوی کشت به سمت محصولاتی محدود است. از سوی دیگر، کاهش محسوس نیز در کشت آبی مشاهده می‌شود. این تغییرات در جدول ۱ و جدول ۳ نشان داده شده است.

پس از مشخص شدن تغییرات روی داده در ساخت زراعی منطقه مورد مطالعه، عوامل و پیامدهای این تغییرات شناسایی شدند، که از طریق بررسی و تحلیل مصاحبه‌های میدانی آشکار شد. از آنجا که پژوهش حاضر به بررسی نقش سیاست‌های دولت می‌پردازد، لازم است تا این سیاست‌ها شناسایی شوند.

تحلیل یافته‌های میدانی و اسنادی نشان می‌دهد که فعالیت‌های زراعی ناحیه مورد مطالعه از چهار سیاست دولت تاثیر پذیرفته، که عبارت‌اند از: سیاست‌های کشت و توسعه محصولات راهبردی، نوین‌سازی و صنعتی‌سازی با ایجاد شهرک‌های صنعتی در نواحی روستایی، سدسازی، و تسطیح و زهکشی اراضی.

جدول ۲- روز- کار مورد نیاز (برحسب نفر- روز در هکتار) در ناحیه مورد مطالعه

کلزا	پنبه	گندم	جو	
۲/۵	۲/۵	۲/۵	۲/۵	قبل از کاشت
۱	۱	۱	۱	کاشت
۳	۲۷	۲/۵	۱/۵	داشت
۴	۳۵	۳	۳	برداشت
۱۰/۵	۶۴/۵	۹	۸	مجموع

مأخذ: یافته‌های پژوهش

جدول ۳- تغییرات آماری انواع زراعت در ناحیه مورد مطالعه (مساحت به هکتار)

سرشماری	زراعت آبی		زراعت دیم		کل
	مساحت	بهره برداری	مساحت	بهره برداری	
۱۳۶۷	۴۷۹۱	۲۴۵	۵۱۱۱۴	۴۹۵۶	۵۵۹۰۵
۱۳۸۲	۷۹۵۶	۱۳۸۸	۵۱۵۶۸	۵۹۲۵	۵۹۵۲۴
۱۳۹۳	۵۵۱	۵۴۶	۷۶۴۸۸	۷۵۲۳	۷۷۰۳۹

مأخذ: مرکز آمار ایران (Statistical Center of Iran, 1988; 2003; 2014)

سیاست کشت و توسعه محصولات راهبردی

نمونه بارز این سیاست اجرای طرح محوری گندم است که به‌موجب آن، قیمت گندم افزایش یافت، بذرها به‌بود یافته و کود شیمیایی مناسب توزیع شد، مکانیزاسیون گسترش یافت و ترویج و آموزش کشاورزی مورد توجه قرار گرفت. به گفته کشاورزان: «چندین سال پیش، دولت در روستاها به کشاورزان دفترچه کشاورزی داده بود و هر سال به آنها کود، سم و بذر می‌داد». افزون بر این، برای تشویق هرچه بیشتر کشاورزان حتی جوایزی نیز به آنها تعلق می‌گرفت. با توجه به تأمین شدن نهاده‌های کود، سم و بذر مناسب، کشت سایر محصولات از جمله پنبه دیگر صرفه اقتصادی لازم را نداشت. از این‌رو، سطح زیر کشت آنها کاهش یافت. به گفته کشاورزان: «سال‌هاست که دولت از گندم حمایت می‌کند. البته قبلاً بیشتر بود، ولی حالا کمتر شده. ولی چون از پنبه حمایت خوبی نشد و پنبه کاری هزینه‌های زیادی دارد، برای کشاورز هم نمی‌صرفد که آن را بکارد».

هرچند، این طرح در ناحیه مورد مطالعه نیز اثرات مثبت برجای گذاشت، اما بیشتر به سود زمین‌داران بزرگ بوده و از آنجا که بیشتر کشاورزان این ناحیه کشاورزان خرده‌پا با اراضی نسبتاً کوچک (میانگین کمتر از ده هکتار) هستند، اثرات مثبت آن کمتر بوده است، که از این گزاره آشکار می‌شود: «بیشتر کشاورزان این منطقه زمین‌های بزرگی ندارند و بیشتر پنج هکتار یا ده هکتار دارند که درآمد کافی ایجاد نمی‌کند».

جدول ۴- تغییرات آماری مساحت قطعات در ناحیه مورد مطالعه

سرشماری	تعداد بهره‌برداری	مساحت (هکتار)	میانگین قطعات
۱۳۶۷	۵۲۰۱	۵۵۹۰۵	۱۰/۷
۱۳۸۲	۷۳۱۳	۵۹۵۲۴	۸/۱
۱۳۹۳	۸۰۶۹	۷۷۰۳۹	۹/۵

مأخذ: مرکز آمار ایران (Statistical Center of Iran, 1988; 2003; 2014)

ولی با استفاده از امتیاز فراهم شده، کشاورزان در هر صورت از نهاده‌های زراعی بهره‌مند شدند، که به رقابت گندم با سایر محصولات انجامید. در نتیجه، با ایجاد تفاوت در صرفه‌های اقتصادی تولید محصولات، این سیاست به تغییر الگوهای کشت منجر می‌شود. به گفته کشاورزان: «پنبه کاری هزینه‌های زیادی دارد، ولی قیمت متناسبی نداشته و قیمت آن بالا نرفته است» و «در طول سال‌های گذشته نرخ خرید محصولات به نسبت مساوی بالاتر نرفته است». برای تأیید این موضوعات نیز در جدول ۵ جزئیات هزینه و درآمد محصولات کشاورزی عمده منطقه در سال ۱۳۹۵ (بدون در نظر گرفتن ارزش زمین) و در شکل ۲، روند تغییرات عملکرد در هکتار هر کدام از محصولات زراعی عمده نشان داده شده است.

جدول ۵- متوسط هزینه و درآمد محصولات کشاورزی عمده منطقه برای سال ۱۳۹۵ در ناحیه

مورد مطالعه (قیمت‌ها به تومان)

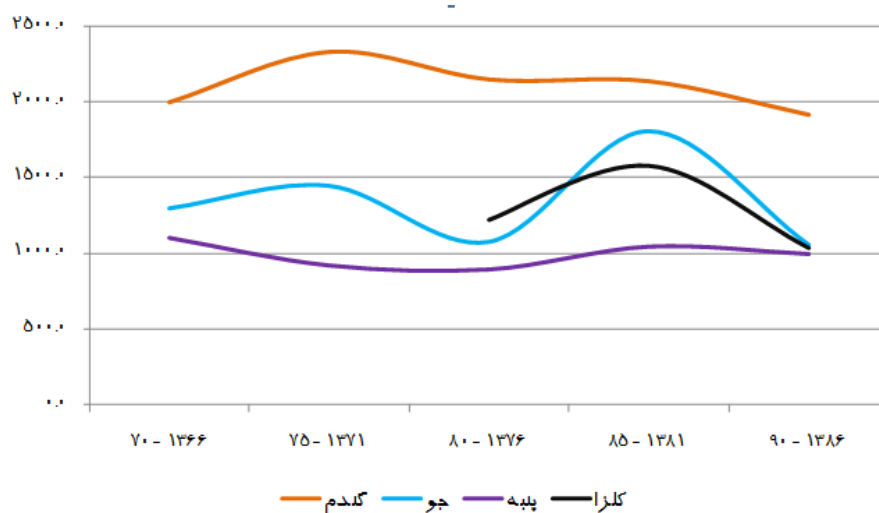
محصول (دیم)	هزینه تولید در هکتار	قیمت هر کیلو	عملکرد در هکتار (کیلوگرم)	درآمد در هکتار	سود خالص در هکتار
گندم آبی	۱۸۶۶۰۰۰	۱۳۰۰	۳۳۰۰	۴۲۹۰۰۰۰	۲۴۲۴۰۰۰
کلزا	۱۰۶۸۰۰۰	۲۷۸۰	۱۱۰۰	۳۰۵۸۰۰۰	۱۹۹۰۰۰۰
پنبه آبی	۴۷۷۰۰۰۰	۳۲۰۰	۲۰۵۰	۶۵۶۰۰۰۰	۱۷۹۰۰۰۰
گندم دیم	۱۰۴۰۰۰۰	۱۳۰۰	۱۹۰۰	۲۴۷۰۰۰۰	۱۴۳۰۰۰۰
پنبه دیم	۲۷۵۴۰۰۰	۳۲۰۰	۱۰۰۰	۳۲۰۰۰۰۰	۴۴۶۰۰۰
جو	۸۸۰۰۰۰	۱۰۳۰	۱۱۰۰	۱۱۳۳۰۰۰	۲۵۳۰۰۰

مأخذ: وزارت جهاد کشاورزی (Ministry of Agriculture - Jahad, 2016)

در نگاه اول، گندم آبی دارای بیشترین سود خالص برای کشاورزان است. این موضوع می‌تواند ناشی از حمایت بیشتر دولت از گندم باشد که نسبت به سایر محصولات، خرید تضمینی و مطلوب‌تری دارد. ولی با در نظر گرفتن این موضوع که سطح زیر کشت گندم آبی رو به کاهش بوده و در حال حاضر، کمتر از پانزده درصد کشت این محصول را به خود اختصاص می‌دهد، باید گفت که عملاً کلزا در این جایگاه است. بررسی‌ها و مطالعات میدانی

حاکمی از آن است که این کاهش در سطح زیر کشت گندم آبی به عللی از جمله افزایش تعداد سدهای احداث‌شده در بالادست رود گرگان و در نتیجه، کاهش شدید آب رودخانه‌ها و نیز کاهش نسبی بارندگی در چند دهه اخیر رخ داده است.

اما حتی سطح زیر کشت کلزا نیز پس از چند سال افزایش، به شدت کاهش یافت. به نظر می‌رسد که کلزا به‌عنوان جدیدترین محصول این منطقه و علی‌رغم سوددهی بالا تداوم طولانی نداشته است. همچنین، سازگاری کم کلزا با شرایط اقلیمی منطقه و حساسیت بیش از حد این محصول به تغییرات اقلیمی به‌ویژه رطوبت و دما، باعث تبدیل آن به محصولی با مخاطره بالا شده است و در نتیجه، پس از حدود یک دهه تجربه، کشاورزان به‌مرور کشت آن را در الگوی کشت منطقه کاهش داده‌اند. از سوی دیگر، بر اثر همین نیاز کلزا به مراقبت بالا، کشاورزانی که عمدتاً به‌صورت نیمه‌وقت به کشت آن می‌پردازند، توان ادامه کار را ندارند.



مأخذ: وزارت جهاد کشاورزی (Ministry of Agriculture - Jahad, 2016)

شکل ۲- روند تغییرات عملکرد در هکتار محصولات عمده در دوره‌های پنج‌ساله در ناحیه مورد مطالعه (به کیلوگرم)

سود پنبه آبی نیز مشابه کلزا و البته اندکی کمتر است. در مورد پنبه آبی نیز شرایطی حاکم است که در کاهش سطح زیر کشت گندم آبی تشریح شد. از سوی دیگر، کمترین سود خالص مربوط به محصول جو است که بیشترین سطح زیر کشت را شامل می‌شود؛ و در کنار آن، پنبه دیم قرار دارد که سود نهایی آن در حدود دو برابر جو بوده ولی در حال حاضر، تقریباً از سیاهه کشت منطقه حذف شده است. به نظر می‌رسد که بیشتر بودن سطح زیر کشت جو به دلیل کیفیت نه‌چندان مناسب و خاک نسبتاً ضعیف بیشتر اراضی منطقه به‌ویژه در نیمه شمالی بوده و از سوی دیگر، کمبود منابع آبی در منطقه منجر به دیم بودن اغلب اراضی شده است. همچنین، بسیاری از کشاورزان معتقدند که کشت جو آسان‌تر و هزینه اولیه آن کمتر است.

با مقایسه شکل ۱ و جدول ۱، جدول ۳ و جدول ۵، در نگاه اول، رفتاری متناقض در تصمیم و عمل کشاورزان دیده می‌شود. در این میان، ظاهراً تنها رفتار منطقی مربوط به کشت گندم دیم بوده که با سود متعادل، کشت آن همواره رو به افزایش گذاشته است، محصولی که در بین سایر محصولات این منطقه زیر پوشش سیاست‌های حمایتی دولت قرار دارد. بنابراین، سیاست‌های دولت در زمینه تمرکز (حمایت از کشت گندم؛ طرح محوری گندم، سیاست‌های حمایت از محصولات راهبردی) یا عدم تمرکز (عدم حمایت دولت از پنبه کاری) الگوهای زراعی و فعالیت‌های کشاورزی را هدایت کرده است. پیامدهای این تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌های دولت خود را به اشکال متنوع همچون تغییر الگوی کشت، خروج جمعیت مولد، ناپایداری فعالیت‌های زراعی و اقتصاد روستایی و مانند آن نشان می‌دهد. برای نمونه، عدم حمایت دولت از نهاده‌های باکیفیت زراعی همچون کود و سم و در نتیجه، افزایش نرخ آنها باعث شده است که کشاورزان به سرمایه‌گذاری کمتری برای بهبود عملکرد محصولات خود از این طریق بپردازند و نتیجه آن نیز عدم بهبود معنی‌دار در عملکرد محصولات زراعی به‌ویژه گندم در طول چند دهه بوده است.

اما فراتر از تفاوت درآمد بین محصولات، تفاوت میان درآمد فعالیت‌های کشاورزی و تولیدی روستایی (اعم از زراعی و دامی و صنایع تبدیلی) و فعالیت‌های غیرتولیدی و عمدتاً

واسطه‌ای است که دسته دوم معمولاً در کشور ما سود بسیار بیشتر و هزینه و مشکلات کمتری دارد. این موضوع نیز یکی از دلایل کاهش فعالیت‌های مولد زراعی در منطقه مورد مطالعه است؛ به گفته کشاورزان: «الان جوانان ما به جای کشاورزی و دامداری می‌روند دنبال فروشندگی و مغازه‌داری در شهر یا روستا یا کارهایی مثل اینها، چون کشاورزی سودی برایشان ندارد و در عوض، آن کارها هم راحت‌تر و هم درآمدش بیشتر است».

در اینجا، نظام پاداش‌ها محرک فعالیت‌های مولد نبوده و معیشت کشاورز را تأمین نمی‌کند. از این‌رو، گروه‌های سنی جوان کمتر جذب کشاورزی می‌شوند و کهنسالان هم توانایی نوآوری ندارند. فعالیت کشاورزی گروه سنی جوان، اگر هم ادامه یابد، نیمه‌وقت یا پاره‌وقت است، چرا که معمولاً جوانان به فعالیت خدماتی می‌پردازند و به همین دلیل، در تولید محصولات هم‌چون پنبه و کلزا که به کار مداوم بیشتری نیاز دارد، تأثیر منفی می‌گذارد.

سیاست تنوع‌بخشی به فعالیت‌های اقتصادی

نمود این سیاست در ایجاد شهرک‌های صنعتی در مناطق روستایی ناحیه مورد مطالعه مشاهده می‌شود، که شامل شهرک صنعتی ترکمن در کنار روستای پنج‌پیکر با مساحت ۵۲ هکتار، ناحیه صنعتی بناور با مساحت ده هکتار و ناحیه صنعتی گمیشان با مساحت ۲۱ هکتار است. گزاره‌های زیر این موضوع را نشان می‌دهد.

«کنار روستای پنج‌پیکر چند هکتار مرتع داشتیم که از قدیم دامداران روستا از آن استفاده می‌کردند و الان چند سال است تبدیل به شهرک صنعتی شده که تعدادی کارگاه آنجاست و عده‌ای مشغول‌اند. ولی خب، اینطوری مراتع ما برای نگهداری دام‌ها کمتر شده».

اجرای این سیاست، از یک سو، باعث ایجاد یا توسعه اشتغال در حوزه صنایع کوچک شده ولی از سوی دیگر، با کاهش اراضی زراعی یا مرتعی، منجر به آسیب این دسته از فعالیت‌های روستایی شده است. این موضوع بخشی از ساختار اشتغال و نیروی کار نواحی روستایی را نیز تغییر می‌دهد و البته در صورت هدایت و برنامه‌ریزی درست، می‌تواند

ظرفیت‌های اشتغال‌زایی بیشتری نسبت به بخش کشاورزی داشته باشد؛ به‌ویژه توجه به صنایع تبدیلی کشاورزی از جمله صنایع روغن‌کشی در کنار توسعه و توجه به کشت دانه روغنی کلزا که دارای سازگاری مناسب با شرایط طبیعی ناحیه است و بازدهی بالایی در حدود چهل درصد در استخراج روغن دارد، در مقایسه با بازدهی پنبه که حدود ۲۵ درصد است (Vosoulipour et al., 2004)، می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد و توسعه ارتباط کشاورزی و صنعت در این ناحیه شود؛ به علاوه، بازدهی بالایی نیز در زمینه پروتئین گیاهی دارد (حدود چهل درصد در کنجاله) (Agah et al., 2015)، که می‌تواند نقش قابل ملاحظه در تقویت دامداری داشته باشد. سیاست‌گذاری مناسب در این زمینه، با توجه به ضعف شدن صنایع تبدیلی و کارخانه‌های پیشین مرتبط با پنبه که زنجیره‌ای از صنایع تبدیلی دیگر مانند نساجی، بهداشتی، غذایی، دامی و پوشاک را به دنبال داشت، قابل تأمل به نظر می‌رسد. گزاره‌های زیر بدین موضوعات اشاره دارد:

«سال‌ها پیش چندین کارخانه پنبه‌پاک‌کنی، روغن‌کشی و کارگاه صابون‌سازی و... در این منطقه وجود داشت که خیلی از افراد را به خود مشغول می‌کرد. ولی مثل پنبه که از بین رفت، آنها هم از بین رفتند.»

این موضوع نشان‌دهنده ضعف صنایع تبدیلی است که ارتباط بیشتری با از بین رفتن محصول کاربر پنبه دارد. این تغییر نه تنها باعث کاهش سطح اشتغال بخش کشاورزی به‌طور مستقیم می‌شود، بلکه می‌تواند آسیب به سایر فعالیت‌های مولد وابسته بدین محصول از جمله کارخانه‌ها و صنایع تبدیلی و فرآوری مرتبط با آن را موجب شود، به‌گونه‌ای که در طول دوره مورد بررسی، همه کارخانه‌های پنبه‌پاک‌کنی و روغن‌کشی و یا کارگاه‌های صابون‌سازی در سطح شهرستان از میان رفتند، صنایعی که به دنبال آنها زنجیره‌ای از صنایع تبدیلی دیگر مانند نساجی، بهداشتی، غذایی، دامی و پوشاک وجود دارد.

اما پیامد مهم سیاست تنوع‌بخشی به فعالیت‌های اقتصادی از طریق ایجاد واحدهای صنعتی، تغییر کاربری اراضی است. در این راستا، کاربری بخشی از اراضی زراعی یا مرتعی تغییر کرده،

نقش سیاست‌های دولت در پایداری.....

که به حرکت از نظام دامداری باز به دامداری بسته انجامیده است. در این حالت، با کاهش فعالیت‌های خرد و سنتی دامداری در میان روستاییان، فعالیت واحدهای صنعتی و عمده دامداری رو به افزایش می‌گذارد. در نتیجه، سطح تولیدکنندگی و در پی آن، درآمد روستایی پایین می‌آید و بیشتر به سمت شهر متمایل می‌شود. برای نمونه، گزاره‌های زیر این موضوع را نشان می‌دهد:

«قدیم ترها بیشتر روستاییان یکی دو تا گاو و چند تا گوسفند نگهداری می‌کردند. این طوری بیشتر شیر و گوشت در خود روستا بود. ولی کم کم این کارها کمتر شده و الان دیگر خیلی‌ها دامداری نمی‌کنند».

جدول ۶- تغییرات آماری دامداری در ناحیه مورد مطالعه

سرشماری کشاورزی	گاو		گوسفند و بز		سرانه هر بهره‌بردار
	تعداد	تعداد	تعداد	تعداد	
۱۳۶۷	۴۹۵۸	۱۷۰۰۰	۲۲۱۴	۱۳۳۰۰۰	۶۰/۱
۱۳۸۲	۵۵۴۷	۱۸۴۱۶	۴۲۵۷	۹۴۳۳۳	۲۲/۲
۱۳۹۳	۲۳۶۰	۱۱۶۲۸	۳۷۱۸	۹۵۶۶۴	۲۵/۷

مأخذ: مرکز آمار ایران (۱۹۸۸; ۲۰۰۳; ۲۰۱۴)

همان‌گونه که جدول ۶ نشان می‌دهد، افزایش میانگین دام (گاو) هر بهره‌بردار از ۳/۴ به ۴/۹ رأس می‌تواند نشانگر این موضوع باشد که روستاییان فعال در زمینه نگهداری و پرورش گاو تعداد کم را به‌صرفه نمی‌دانند، و این خود نشان می‌دهد که دامداری در میان روستاییان کم‌توان‌تر کاهش یافته است. در زمینه دام‌های سبک (گوسفند، بره، بز و بزغاله) با کاهش جمعیت بهره‌بردار روبه‌رو شده است.

همچنین، داده‌ها نشان از آن دارد که متوسط شصت رأس دام برای هر بهره‌بردار در سال ۱۳۶۷ به حدود ۲۵ رأس در سال‌های اخیر کاهش داشته، که به مفهوم کوچک‌تر شدن گله‌های

گوسفند و بز در روستاهاست. این تغییرات می‌تواند تأییدی بر تغییر نظام دامداری از باز (در مزارع و مراتع) به بسته (در مسکن) باشد، چنان‌که گزاره‌های زیر اشاره دارد:

«قبل‌ترها بیشتر وقت، دام‌ها در مراتع بودند یا بعد از برداشت محصول روی اراضی زراعی چرا می‌کردند. ولی الان هم مراتع کمتر شده و هم خیلی از کشاورزان اجازه نمی‌دهند که دام روی زمین بیاید».

بنابراین، سهم دام در تولیدات روستایی نیز کاهش یافته است. چنان‌که مطالعات میدانی نشان می‌دهد، در طول سال‌های دوره مورد مطالعه، حدود شصت درصد روستاییانی که تا دو دهه پیش اقدام به نگهداری و پرورش گاو می‌کردند، این فعالیت را رها کرده‌اند؛ همچنین، تعداد دام‌ها کاهش یافته است، دو موضوعی که با یکدیگر ارتباط مستقیم دارند. ارتباط آن با کاهش چرای دام‌ها از اراضی زراعی یا تولیدات علوفه‌ای پس از برداشت محصول و در نتیجه، افزایش هزینه‌های نگهداری دام را می‌توان تشخیص داد. بدیهی است که کاهش استفاده از کود حیوانی و منافع آن از آثار منفی کاهش دامداری در زراعت منطقه است. همچنین، اهمیت دامداری به‌مثابه یکی از منابع درآمد خانوارهای روستایی کاهش یافته است. در نتیجه این رویدادها، سطح تولیدکنندگی منطقه در زمینه دامی کاهش یافته، روستاییان تمایل بیشتری به مصرف‌کننده بودن محصولات دامی پیدا کرده‌اند. برای نمونه، حدود بیست سال پیش، در یک مغازه روستایی به‌ندرت شیر یا ماست بسته‌بندی شده دیده می‌شد ولی در حال حاضر، در هر مغازه‌ای ارائه می‌شود.

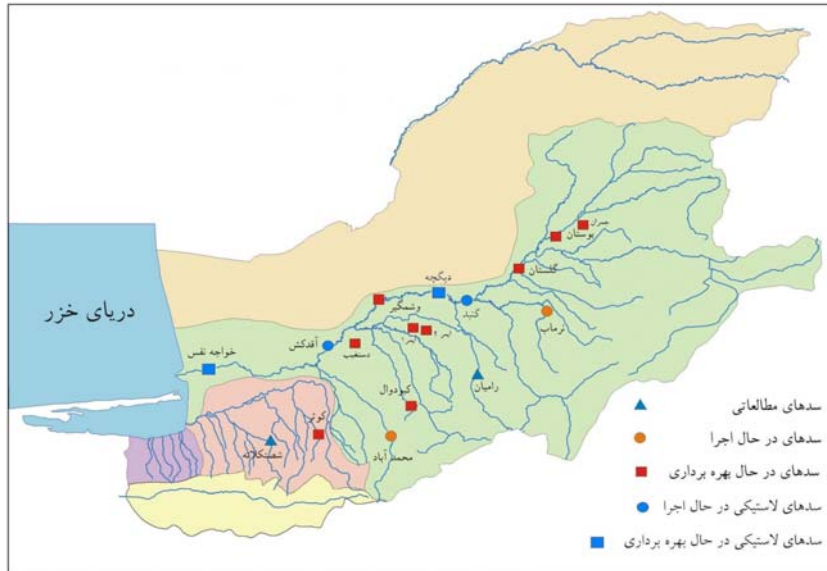
سیاست سدسازی

یکی دیگر از سیاست‌های مهم در زمینه توسعه فعالیت‌های کشاورزی، سدسازی و تغییر نظام‌های آبیاری است. سدهای وشمگیر، گلستان، بوستان و کوثر در بخش علیای حوضه آبرگیر گرگان‌رود در راستای این سیاست به اجرا درآمده‌اند. ولی مسئله اصلی در چنین مواردی، کاهش آب رودخانه در بخش سفلی (ناحیه مورد مطالعه) است. کاهش آب گرگان‌رود به‌عنوان یکی از علل تغییرات الگوی کشت و نظام زراعی بیان شده است:

«دولت سدهای زیادی در بالادست رود گرگان زده که با کم شدن آب باعث کاهش شدید آب رودها و خشک‌تر شدن خاک اراضی منطقه شده است. خیلی از اراضی کنار رودخانه که قبلاً آبی بود، حالا با کم شدن آب رود، تبدیل به دیم شده است. این‌طوری محصولات آبی هم کمتر شد.»

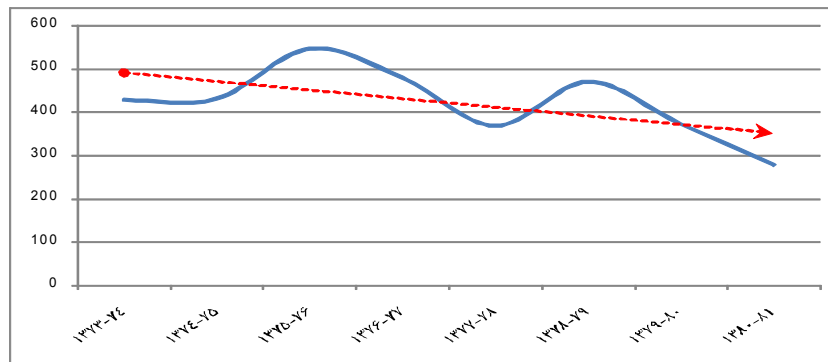
در اینجا، نقش دولت آشکار است. هر چند، دولت با سیاست افزایش سدسازی (جدول ۷ و شکل ۳) در بالادست رود گرگان، باعث رشد و بهبود کشاورزی در آن مناطق شده، اما این سیاست کاهش شدید آب رود در پایین‌دست آن و در نتیجه، کاهش کشت آبی را به دنبال داشته است. این کاهش در کنار برخی محدودیت‌های بوم‌شناختی این منطقه و تشدید آنها منجر به تخریب محیط به دلیل افزایش خشکی خاک‌های زراعی و در نتیجه، کاهش کیفیت آنها شده است؛ هر چند، نمی‌توان نقش کاهش بارش‌ها در طول دوره مورد مطالعه را نیز انکار کرد.

اما بررسی‌های میدانی نشان‌دهنده کاهش شدید آب رودخانه حتی در فصل بارندگی است، موضوعی که علاوه بر تغییرات بوم‌شناختی، منجر به پیامدهای نامطلوب در حیات اجتماعی-اقتصادی نواحی روستایی شده است.



مأخذ: شرکت آب منطقه‌ای گلستان (Golestan Regional Water Company, 2018)

شکل ۳- سدهای استان گلستان، بدون در نظر گرفتن اترک



مأخذ: وزارت جهاد کشاورزی (Ministry of Agriculture - Jihad, 2016)

شکل ۴- روند میانگین بارش بر اساس سال زراعی در ناحیه مورد مطالعه (به میلی‌متر)

نقش سیاست‌های دولت در پایداری.....

کاهش شدید آب رود منجر به کاهش اراضی آبی و در نتیجه، کاهش محصولات آبی (جدول ۱ و جدول ۳) و پرسودتر شده و آنها را تبدیل به اراضی دیم کرده است، که خود کاهش منافع کشاورزان را به دنبال دارد. از سوی دیگر، کاهش آب رود منجر به کاهش تخم‌ریزی ماهیان در بخش سفلی گرگان‌رود و به طور نظام‌مند، به علت تأثیر نامطلوب روی حیات ماهیان دریایی سبب بروز مشکلاتی در معیشت صیادان ناحیه شده است. گزاره زیر نشان از همین موضوع دارد:

«دولت سدهای زیادی در بالادست رود گرگان زده که با کم شدن آب باعث کم شدن ماهی‌ها هم شده است».

جدول ۷- مشخصات سدهای گرگان‌رود

نام سد	وشیگیر	ش.چهران	گلستان	بوسستان	خواججه نفس	دیپچه	نگارستان ^۵	ش.ایمری	ش.دستغیب	زرماب	محمدآباد	آفدکش	رامیان
نام رود	گرگانرود	گرگانرود	گرگانرود	گرگانرود	گرگانرود	گرگانرود	زرین گل	سیاه جوی	زرین گل	چهل چای	محمدآباد	گرگانرود	فروچای
آبگیری	۱۳۴۹	۱۳۷۰	۱۳۷۹	۱۳۸۳	۱۳۸۷	۱۳۹۱	-	۱۳۹۵	۱۳۶۷	در حال اجرا	آماده اجرا	در حال اجرا	مطالعاتی

مأخذ: شرکت آب منطقه‌ای گلستان (Golestan Regional Water Company, 2018)

سیاست نوسازی، تسطیح و زهکشی اراضی

یکی از گسترده‌ترین سیاست‌های دولت در ناحیه مورد مطالعه اجرای طرح‌های نوسازی، تسطیح و زهکشی اراضی با حفر کانال‌هایی در سراسر اراضی زراعی است. در واقع، این ناحیه

۵. در داده‌های مرجع مورد نظر، سال آبگیری ذکر نشده است.

با توجه به مسائلی از قبیل بالا بودن سطح ایستابی، شور بودن خاک و آب های زیرزمینی، بافت سنگین خاک سطحی، شیب کم اراضی و فقدان آبراهه ها و زهکش های طبیعی، در قلمرو طرح ۲۸۰ هزار هکتاری زهکشی اراضی استان گلستان قرار گرفته، که توسط سازمان جهاد کشاورزی و شرکت آب منطقه ای استان در حال اجراست. از مساحت زیر پوشش این طرح در شهرستان های مورد مطالعه، بین پانزده تا بیست هزار هکتار در حال بهره برداری و ده هزار هکتار دیگر در حال اجراست. علاوه بر آن، مطالعات جدید در سطح حدود چهل هزار هکتار انجام شده و در شانزده هزار هکتار دیگر نیز در دست مطالعه است (Golestan Agriculture - Jihad Organization, 2018). طول این کانال ها تقریباً بین ۲۰۰

تا ۲۵۰ کیلومتر برآورد می شود. گزاره زیر بیانگر عملکرد این طرح از سوی زارعان است:

«خیلی از اراضی این منطقه کم و بیش شور است. دولت از سال ها قبل بین مزارع کانال هایی حفر می کند تا با این کار، شوری خاک ها را کم کند. این کار کیفیت خاک ها را بهتر می کند». این کار کمک زیادی به حفظ یا تقویت کیفیت خاک زراعی از طریق کاهش شوری آن می کند. بدین ترتیب، با اجرای هرچه بیشتر این برنامه، تغییراتی در الگوی کشت رخ می دهد، بدین صورت که با کاهش میزان شوری خاک، آن دسته از اراضی که به علت این شرایط محدودیت هایی در کشت انواع محصول داشتند، به مرور توان کشت انواع بیشتری از محصولات را خواهند داشت. با توجه به شرایط اقلیمی ناحیه و سازگاری بیشتر جو نسبت به سایر محصولات در برابر شوری، اگرچه کشت آن از گذشته در بسیاری از اراضی این ناحیه رواج داشته است، اما با اجرای طرح یادشده و بهبود کیفی خاک ها، امکان جایگزینی محصولاتی مانند گندم و کلزا با آن نیز بیشتر شده است. در نتیجه، با وجود کاهش آب های سطحی رودخانه، می توان آن را یکی از علل افزایش کشت گندم دیم دانست، گرچه این کانال ها جدایی کامل میان دو سمت خود ایجاد می کنند و ارتباط بین دو سوی آنها به ویژه در فصل بارندگی تنها از طریق تعداد معدودی پل انجام می گیرد. این پل ها نیز معمولاً فقط بر روی جاده ها ساخته شده اند. اما در نهایت، منافع بسیار بیشتری حاصل می کنند. در مجموع، این چهار

سیاست دولت با ایجاد تغییراتی در ناحیه مورد مطالعه، با پیامدهایی مثبت و منفی در فعالیت‌های مولد زراعی همراه بوده است.

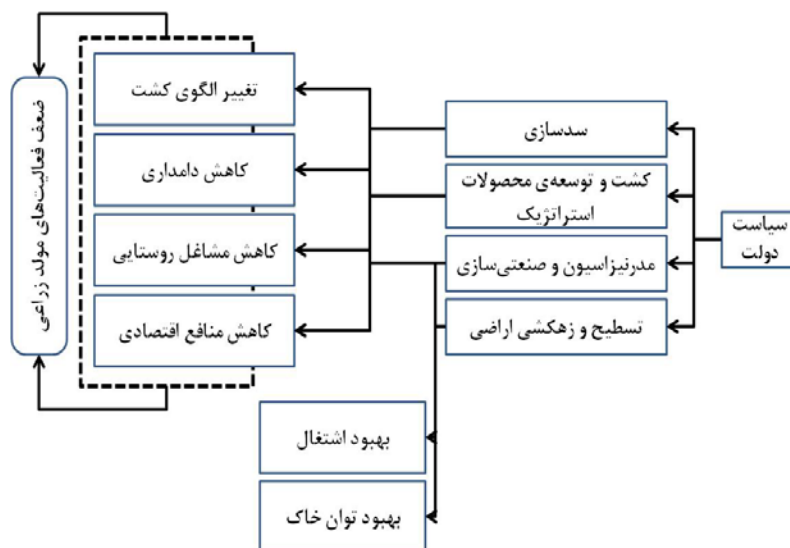
نتیجه‌گیری و پیشنهادها

براساس روش نظریه زمینه‌ای یا مینا، اسناد، مشاهدات و مصاحبه‌ها نشان داد که تحولاتی در ساخت زراعی روی داده است. در ایجاد این تغییرات، چهار سیاست دولت نقش کلیدی داشتند. این سیاست‌ها عبارت‌اند از سیاست کشت و توسعه محصولات راهبردی، سیاست تنوع‌بخشی به فعالیت‌های اقتصادی با ایجاد شهرک‌های صنعتی در نواحی روستایی، سیاست سدسازی، و سیاست نوسازی، تسطیح و زهکشی اراضی.

بنابراین، در یک نگاه کلان، برخی سیاست‌های کلان دولت به‌ویژه سدسازی موجب عدم حمایت مناسب از آن دست فعالیت‌های تولیدی شده که به هدایت فعالیت‌های روستایی به‌سوی ضعف تولید انجامیده است. همان‌گونه که مطالعات آمار و رضایی (Amar and Rezaei, 2008)، بخشی و همکاران (Bakhshi et al., 2010)، پیش‌بهار و خدابخشی (Pishbahar and Khodabakhshi, 2014) و همچنین، افراخته و همکاران (Afrakhteh et al., 2015) نیز نشان دادند که سیاست‌های کشاورزی دولت با حمایت از محصولات خاص زراعی، انگیزه تولید آن محصولات و در نتیجه، الگوی کشت آنها را تقویت خواهند کرد. از سوی دیگر، تغییرات یادشده به‌گونه‌ای بوده که منجر به کاهش صرفه‌های اقتصادی در فعالیت‌های تولیدی شده است؛ برای نمونه، ضمن کاهش دامداری در ارتباط با الگوهای زراعی، سهم دام در تولیدات روستایی کاهش یافته است، چنان‌که از نظر رابرت بیتس، به نقل از شکوری (Shakouri, 2005) و همچنین، به باور حجی‌پور و فال‌سلیمان (Hajipour and Falsoleiman, 2014)، اهمیت کارکرد سیاسی دخالت دولت در امور اقتصادی از جمله کشاورزی بیش از کارآمدی اقتصادی آن بوده است.

البته سیاست تسطیح و زهکشی اراضی را می‌توان مثبت ارزیابی کرد، چراکه به بهبود کیفیت خاک زراعی و در نتیجه، افزایش توان آن برای بهبود عملکرد محصولات و نیز کشت محصولات متنوع‌تر می‌انجامد. سیاست تنوع‌بخشی به فعالیت‌های اقتصادی با ایجاد شهرک‌های صنعتی در نواحی روستایی نیز هرچند، پیامدهایی مثبت مانند افزایش اشتغال روستاییان داشته، ولی برای اثرگذاری بهتر در فعالیت‌های مولد روستایی، نیازمند ایجاد و گسترش صنایع تکمیلی کشاورزی است. اما دو سیاست دیگر یعنی، کشت و توسعه محصولات راهبردی و سدسازی، با ایجاد تغییراتی در منافع اقتصادی، الگوی کشت، کاهش آب رود، افزایش هزینه‌های دامداری (مانند کاهش منابع کم‌هزینه چرای دام در ارتباط با تغییر الگوی کشت) و کاهش سطح اشتغال روستایی، در نهایت، موجب ناپایداری فعالیت‌های زراعی و اقتصاد روستایی و نیز ضعف فعالیت‌های مولد زراعی شده است، چنان‌که شکوری (Shakouri, 2005)، موسوی و همکاران (Mousavi et al., 2009)، حسینی و ترشیزی (Hosseini and Tarshizi, 2009)، بایجوکیا و همکاران (Baijukya et al., 2005) و کوکا و همکاران (Cocca et al., 2012) نیز این موضوع را تأیید می‌کنند. بنابراین، سیاست‌های دولت باید به سمتی پیش رود که با استفاده پایدار از نهاده‌های زراعی، پایداری و تداوم مناسب در نظام زراعی به‌وجود آید، هرچند که کارآیی اقتصادی آن پایین‌تر باشد، چنان‌که چئونگ (Cheung, 2004) و بایجوکیا و همکاران (Baijukya et al., 2005) نیز دولت را هدایت‌گر الگوهای کشت و بازار آنها و در نتیجه، تحولات فضایی می‌دانند. این در حالی است که فعالیت‌های غیرمولد مانند واسطه‌گری به‌لحاظ اطمینان بیشتر و مخاطره‌پایین‌تر و عدم مواجهه با مشکلات فعالیت‌های تولیدی به‌آسانی گسترش و تداوم می‌یابند.

شکل ۵ نشان‌دهنده فرآیندهای تحلیلی در قالب مدل مفهومی پژوهش است.



شکل ۵- مدل مفهومی پژوهش

با توجه به نتایج پژوهش حاضر، از جمله پیشنهادهایی که می‌توان ارائه کرد، عبارت‌اند از: سیاست‌گذاری سنجیده در زمینه حمایت از محصولاتی که ضمن بیشترین سازگاری با شرایط طبیعی و انسانی هر ناحیه از کشور، دارای بیشترین آثار زنجیری و به بیان بهتر، بیشترین بهره‌وری باشند، تا جایی که به ایجاد یا تقویت فعالیت‌های مولد و مکمل تبعی بیشتری بینجامد؛ همچنین، تقویت نظام آموزش و ترویج از طریق مروجان کارآموده و نیز آموزش‌های عمومی از طریق رسانه‌ها به همراه تهیه برنامه‌ها و نقشه‌های آمایش سرزمین در موضوع کشاورزی.

پیشنهاد پژوهشی

یافته‌های پژوهش حاضر مؤید ضعف فعالیت‌های مولد است. از آنجا که یکی از موانع توسعه فعالیت‌های مولد در کشور ما سهولت، مخاطره پایین و سودآوری بیشتر فعالیت‌های غیرمولد مانند واسطه‌گری است، بررسی دلایل این مسئله و نقش دولت در آن و نیز ارتباط آن

با کشاورزی در قالب یک موضوع پژوهشی مکمل مقاله حاضر به پژوهشگران گرامی پیشنهاد می‌شود.

منابع

1. Afrakhteh, H. and Hajipour, M. (2013). Transformation of rural land ownership; causes and consequences; case: Taghab and Masoumabad villages in Khosf County. *Space Economy and Rural Development*, 2(5): 1-21. (Persian)
2. Afrakhteh, H., Hajipour, M. and Romiani, A. (2015). Optimizing patterns for cultivating agricultural products toward sustainable development, case study: Sahlabad Plain. *Research and Rural Planning*, 4(1): 41-55. (Persian)
3. Afrakhteh, H., Azizpour, F. and Bayat, M. (2014). Morphological changes of rural settlements of Salehan sub-district (Khomein County), 1971-85 *Geography and Development*, 37: 71-84. (Persian)
4. Agah, F., Ein-Afshar, S. and Ahamadzadeh Ghavidel, R. (2015). Assessment of the enzymatic extraction of rapeseed oil and the effects on the quantity and quality characteristics of the oil. *Food Technology and Nutrition*, 12(46): 71-82. (Persian)
5. Amar, T. and Rezaei, P. (2008). Investigating the factors affecting the developments in the agricultural system in Rahmatabad (Roudbar County) during 1991-2001. *Geographical Research*, 39(9): 101-113. (Persian)
6. Baijukya, F.P., Ridder, N.D., Masuki, K.F. and Giller, K.E. (2005). Dynamics of banana-based farming systems in Bukoba district, Tanzania: changes in land use, cropping and cattle keeping. *Agriculture, Ecosystems and Environment*, 106(4): 395-406.
7. Bakhshi, M.R., Peykani, G., Hosseini, S.S. and Saleh, I. (2010). Evaluating effects of removing fertilizer subsidy and direct payment policies on cropping pattern and inputs use (case study: agronomy subsector of Sabzevar County). *Agricultural Economics (Economy and Agriculture)*, 4(2): 185-207. (Persian)
8. Cheung, A. (2004). Research on rural financial development and rural economic growth in China. PhD Thesis, Zhejiang University, China. Available at <http://oversea.cnki.net/kcms/detail/detail.aspx?dbcode=CDFDandQueryID=0andCurRec=2anddbname=CDFD9908andfilename=2004074723.nh>

9. Cocca, G., Sturaro, E., Gallo, L. and Ramanzin, M. (2012). Is the abandonment of traditional livestock farming systems the main driver of mountain landscape change in Alpine areas? *Land Use Policy*, (29): 878- 886.
10. Cocklin, C., Mautner, N. and Dibden, J. (2007). Public policy, private landholders: perspectives on policy mechanisms for sustainable land management. *Environmental Management*, 85(4): 986-998.
11. Douglass, N. (1998). Institutions, institutional change and economic performance. Translated by M.R. Moeini. Tehran, Iran: Planning and Budget Organization Publications. (Persian)
12. Golestan Agriculture - Jihad Organization (2018). Archive information. Gorgan, Iran. Available at <http://www.jago.ir>. (Persian)
13. Golestan Regional Water Company (2018). Statistics of water resources and buildings. Gorgan, Iran. Available at <http://www.gsrw.ir/SC.php?type=staticandid=47>. (Persian)
14. Gopinath, R. (1986). Agrarian structure and transformation in Malabar 1871-1921. MA Dissertation, Jawaharlal Nehru University, India. Available at <http://hdl.handle.net/10603/16220>.
15. Hajipour, M. and Falsoleiman, M.F. (2014). The study of effective factors on alteration of farm operating systems, case study: Sahlabad-Nehbandan Farming Joint Stock Company. *Geography and Urban-Regional Planning*, 10(4): 39-54. (Persian)
16. Hosseini, S.S. and Tarshizi, M. (2009). Evaluation of supportive policy of wheat in Iran. *Iranian Agricultural Economics and Development Research*, 2(40): 1-11. (Persian)
17. Keyder, Ç. and Yenal, Z. (2011). Agrarian transformation, labour supplies, and proletarianization processes in Turkey: a historical overview. *Journal für Entwicklungspolitik*, 27: 44-71.
18. Lebeau, R. (1976). The greatest agricultural foundations in the world. Translated by M. Mahmoudpour. Tabriz, Iran: Tabriz University Publications. (Persian)
19. Ministry of Agriculture - Jihad (2016). Agriculture database. Office of Statistics and Information Technology. Available at <http://dbagri.maj.ir/zrt/index.htm>. (Persian)
20. Mojtahed, A. and Sharifi, M. (2004). The effect of monetary and financial policies on the growth of the Iranian agricultural sector. *Agricultural Economics and Development*, 47(12): 1-42. (Persian)

21. Mousavi, S.N., Mohammadi, H. and Taheri, F. (2009). The effect of governmental support policy on wheat cropping and production in Fars province. *Economic Research*, 3(9): 289-307. (Persian)
22. Nathaniel Brown, D. (1985). The transformation of agrarian structure: a Ghanaian case study of Twifo-Hemang, central region, Ghana. PhD Thesis, McMaster University, USA. Available at https://www.researchgate.net/publication/239828504_The_Transformation_of_Agrarian_Structure_A_Case_Study_of_Twifo-Hemang_Central_Region_Ghana
23. Nekooei Naeini, S.A. (2016). Explaining the agricultural structure of Iran in the Islamic model of Iranian progress. Paper Presented at the 5th Conference of Islamic Pattern of Progress in Iran; Basic Development Model, Tehran, Iran. Available at <http://5cp.olgou.ir/papers.html>.
24. Pishbahar, E. and Khodabakhshi, S. (2014). The effect of subsidizing agricultural inputs on agricultural crops cultivation pattern in Varamin County. *Agricultural Economics Research*, 2(6): 53-68. (Persian)
25. Saeed Rass, I. (2007). The philosophical and theoretical context of qualitative research methods in social sciences. *Sociology of Azad University*, 4(2): 25-44. (Persian)
26. Saeidi, A. (2012). Fundamental concepts in physical-space planning (part one). *Physical-Space Planning*, 1(1): 9-26. (Persian)
27. Shakouri, A. (2005). Agricultural development policy in Iran. Tehran, Iran: SAMT Publications. (Persian)
28. Statistical Center of Iran (1988). General agricultural census. Available at <https://www.amar.org.ir/> (Persian)
29. Statistical Center of Iran (2003). General agricultural census. Available at <https://www.amar.org.ir/> (Persian)
30. Statistical Center of Iran (2014). General agricultural census. Available at <https://www.amar.org.ir/> (Persian)
31. Strauss, A. and Corbin, J. (2011). Principles of qualitative research method. Translated by B. Mohammadi. Tehran, Iran: Research Center for Humanities and Cultural Studies Publication. (Persian)
32. Vosoulipour, M., Modarres, H. and Mohsennia, M. (2004). Determination of oil content and types of fatty acids in cannabis oil of different regions of Iran. *Chemistry and Chemical Engineering of Iran*, 2(23): 81-87. (Persian)
33. Yao, G. and Xie, H. (2016). Rural spatial restructuring in ecologically fragile mountainous areas of southern China: a case study of Changgang Town, Jiangxi Province. *Rural Studies*, 47: 435-448.